

مسئله آذربایجان در ایران: مسی بر آینده ایران

«مسئله آذربایجان در ایران: یک مسئله اساسی برای آینده ایران» مقاله‌ای به قلم نصیب نصیب‌زاده (نصیبلی) سفیر سابق جمهوری آذربایجان در جمهوری اسلامی ایران و یکی از اعضای رهبری حزب مساوات است. این مقاله را که در سال ۱۹۹۸ منتشر شده است، به رغم اختصار می‌توان بیان موجز و دقیقی دانست از کل دیدگاه حاکم در جمهوری آذربایجان نسبت به «مسئله آذربایجان» در ایران. مقاله‌ای که به رغم مقدمات نادرست و نتیجه‌گیری‌هایی به همان اندازه نادرست، از لحاظ آشنایی با نوع مباحث مطرح در آن سوی ارس در خور توجه و اهمیت است.

توصیف نویسنده از مقدمات تاریخی امر، به ویژه مراحل مختلف «نهضت آزادی‌بخش ملی» در «آذربایجان جنوبی» و انضمام چهره‌هایی چون ستارخان، خیابانی و آیت‌الله شریعتمداری در این نهضت و قائل شدن نقشی جدای از سیاست شوروی در سال‌های آخر جنگ دوم جهانی، برای میرجعفر پیشه‌وری، حتی برای نوآموزان تاریخ معاصر ایران نیز خام و کودکانه به نظر می‌آید، ولی این دقیقاً همان مطالبی است که بیش از هشتاد سال است به انحاء مختلف در آن سامان پراکنده و نشر گردیده و نه تنها از جانب ما تلاشی در تصحیح آن به عمل نیامده که هر روز بر تعداد اقلام آن افزوده نیز می‌شود موضوع دکتر چهرگانی که در این نوشته هم بدان اشاره شده یکی از آخرین آنها است. اینک اصل مقاله:

تاریخ مسئله

در اوایل قرن نوزدهم امپراتوری روسیه خانات آذربایجان شمالی را که به صورت دوزوره - [از لحاظ حقوقی] - بخشی از ایران قاجار ولی به لحاظ دوفاکتو - [در واقع] - مستقل بودند، تحت اشغال در آورد. علی رغم روابط نزدیک میان آذربایجان شمالی و جنوبی تا سال‌های دهه ۱۹۳۰، این دو بخش آذربایجان از لحاظ تاریخی در دو راه مختلف توسعه یافتند: این تقسیم‌های هنگامی صورت گرفت که خودآگاهی ملی در میان آذربایجانی‌ها به اندازه کافی قوی نبود. این عامل نقش مهمی در ایجاد تفاوت میان آذربایجان شمالی و جنوبی ایفا کرد.

انضمام آذربایجان شمالی در امپراتوری روسیه و در نتیجه تفاوت‌های فرهنگی میان روس‌ها و آذربایجانی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز خودآگاهی در میان آذربایجانی‌ها ایفا کرد. این تفاوت‌ها در زبان، دین، ذهنیت، آداب و ریشه‌های تاریخی وجه بیان یافت. از سوی دیگر آذربایجان شمالی از نظر کنترل شدید بر نظام مالی، بهره‌برداری از نفت و دیگر منابع طبیعی به یک مستعمره روس تبدیل شده بود. روس‌ها به دلیل نگرانی از نزدیکی‌های دینی و قومی با ترک‌های عثمانی، حاکمیت خاصی را بر آذربایجان شمالی تحمیل کرد که سرکوب هر گونه نهضت ملی یکی از اجزاء آن بود. علی رغم این سرکوب، نهضت ملی در آذربایجان شمالی زودتر از آذربایجان جنوبی آغاز شد. در آذربایجان شمالی، نهضت ملی سه دوره تکاملی را طی کرد:

۱- تقاضای خود مختاری فرهنگی (۱۹۰۵-۱۹۱۷)

۲- تقاضای خود مختاری ملی - قلمرویی (۱۹۱۷-۱۹۱۸)

۳- مبارزه برای استقلال ملی (از ۱۹۱۸ به بعد)

در نتیجه، در پی تاسیس جمهوری مستقل و دموکراتیک آذربایجان در ۱۹۱۸، آذربایجان شمالی به نماد رسمی موجودیت آذربایجانی‌ها به عنوان یک ملت علی‌حده تبدیل شد.

در این دوره در آذربایجان جنوبی، ترکیب چند عامل مختلف باعث آن شد که مسیر متفاوتی در این سرزمین پیموده شود. گذشته تاریخی، وحدت مذهبی از نظر تشیع، نزدیکی تاریخی، سنن تاریخی زبان و ادبیات فارسی و دیگر عوامل ذی‌ربط میان آذربایجانی‌ها و فارس‌ها، رشد و توسعه نهضت ملی آذربایجانی را در ایران کند ساخت. در عین حال تهدید دائم روسیه (تزاری و شوروی) نیز عامل مهمی بود در آن که آذربایجانی‌ها خواست‌های ملی خود را کنار بگذارند. به همین دلیل هنگامی که تجاوزات روسیه بر ضد ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تشدید شد، نظریه‌پردازان عمده پان ایرانیسم هم در میان فارس‌ها پدیدار شدند و هم در میان آذربایجانی تبارهایی چون کسروی، کاظم‌زاده [ایرانشهر] و رضازاده [شفق].

این نکته را نیز باید در نظر داشت که برای مدت زمانی طولانی در دوره پادشاهی قاجار و پهلوی در ایران و حتی در دوره نظام اسلامی کنونی، آذربایجانی تبارهای بسیاری بوده و هستند که در دولت ایران صاحب نفوذ چشم گیری بوده‌اند. خواست برآورده شدن نیازهای اجتماعی و اقتصادی از سوی رژیم انگیزه آنهایی - [از آذربایجانی تبارها] - بود که به نخبگان ایرانی پیوستند.

آذربایجان در ساختار اداری و جمعیتی ایران

آذربایجان جنوبی مشتمل است بر استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، همدان و مناطق همجوار آستارا، قزوین و دیگر نواحی قومی. وسعت این منطقه حدود ۱۷۰,۰۰۰ کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود (وسعت آذربایجان شمالی حدود ۸۶,۰۰۰ کیلومتر مربع یا حدود یک سوم منطقه مزبور است). ترک‌ها اکثریت قومی مناطق آذربایجان ایران را تشکیل می‌دهند (بیش از ۹۰٪ کل جمعیت را).

برآورد تعداد دقیق آذربایجانی‌ها در ایران دشوار است. در مورد جزئیات ترکیب قومی ایران آمار رسمی منتشر نشده است. براساس بررسی‌های ما که بر آمار رسمی [۱۴] مبتنی است، آذربایجانی‌ها حدود ۴۰٪ از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. این رقمی است حدود ۷۵٪ از کل آذربایجانی‌های جهان.



آذربایجان شمالی (جمهوری آذربایجان) به رغم وسعت و جمعیت کمتر، مرکز سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی ملت ترک آذربایجانی را تشکیل می‌دهد. مع‌هذا وضعیت دشوار ژئوپولیتیک آذربایجان آن را وادار کرده است که در منطقه و خارج از آن به جستجوی متحدانی اقدام کند. آذربایجان جنوبی می‌تواند قوی‌ترین و وفادارترین متحد بالقوه در آینده قابل پیش‌بینی تلقی گردد. اندیشه یک آذربایجان واحد در جمهوری آذربایجان از مقبولیت گسترده‌ای برخوردار است.

خط مشی تبعیض فرهنگی

شوونیسیم فارس در ایران لطماتی اساسی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی آذربایجان جنوبی وارد کرده است. شوونیسیم به عنوان یک خط‌مشی به صورتی ضمنی و تلویحی از سوی رژیم ایران اعمال شده و فرهنگ ملی آذربایجانی‌ها در آذربایجان جنوبی هدف اصلی آن بوده است. زبان ترکی آذربایجانی از کاربرد رسمی در تمام حوزه‌ها - از جمله مدارس، محاکم، ساختار حکومتی و ارتش - حذف شده است. اشکال خاص وجه بروز فرهنگ آذربایجانی نیز ممنوع شده است.

در خلال آخرین انتخابات پارلمانی، آقای محمود چهرگانی که با تأکید بر اصل پانزدهم قانون اساسی (یعنی استفاده از زبان‌های محلی در دروس ادبی مدارس ابتدایی) وارد مبارزه انتخاباتی شده بود، در دور اول رای‌گیری از تبریز انتخاب شد ولی پیروزی او به بازداشت وی توسط پلیس [...] و بالاخره بازداشت او در تهران منجر گردید.

نهضت آزادی بخش ملی

نهضت آزادی بخش ملی آذربایجان جنوبی از یک قدمت تاریخی ۹۰ ساله برخوردار است. در خلال نهضت‌های مختلفی به رهبری ستارخان (۱۹۰۸ - ۱۹۰۹)، خیابانی (۱۹۲۰)، پیشه‌وری (۱۹۴۵ - ۱۹۴۶) و شریعتمداری (۱۹۷۹ - ۱۹۸۰) خواست‌های خود مختاری ملی - قلمرویی در مقابل حکام ایرانی مطرح شد. آنها از طریق خواسته‌هایشان راه‌های مختلفی را برای حل و فصل موارد مبرم مساله ملی در ایران مطرح کردند.

در اشاره به عوامل موثر در وضعیت جاری نهضت ملی آذربایجانی در ایران، حداقل از دو

عامل ذیل می‌توان یاد کرد:

۱- ظهور آگاهی ملی ترکی آذربایجانی و توسعه نهضت ملی به اقشار بالاتر اجتماعی.

۲- اعاده حاکمیت ملی آذربایجانی در شمال.

در میان آذربایجانی‌های ایران سه دیدگاه عمده در قبال مسئله ملی آذربایجان جنوبی وجود دارد:

۱- یک گروه متشکل از چهره‌های دینی، ارباب صنایع و دیوانسالاران که از موقعیت برجسته‌ای در دولت ایران برخوردار هستند و نظریه‌پردازهای آنان نیز از اندیشه یک ایران واحد حمایت می‌کنند (مرکز گرایان ایرانی ملی). آنها در صدد افزایش سهم خود از لحاظ سرمایه و اقتدار در چارچوب یک ایران واحد می‌باشند. آنها از اندیشه ترکی‌گردانی ایران حمایت کرده و هوادار فکر اتحاد ایران با آذربایجان شمالی هستند.

۲- گروهی از روشنفکران، صاحبان صنایع و دیوانسالاران که از تجزیه ایران نگران بوده و خواهان آن هستند که (هم‌زمان با دیگر اقلیت‌های قومی - ملی) به آذربایجان جنوبی خود مختاری فرهنگی یا ملی - قلمرویی اعطا گردد که از نظر آنها بهترین راه حل و فصل مسئله آذربایجان تلقی می‌شود. «دموکراسی برای ایران، خود مختاری برای آذربایجان» از شعارهای مورد علاقه این گروه ذی‌نفع محسوب می‌شود.

۳- گروه سوم که طیفی از سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی جدید آن را نمایندگی می‌کند خواهان استقلال آذربایجان جنوبی و هوادار اندیشه یک آذربایجان متحد است. ظهور چنین سازمان‌هایی مبین شروع یک مرحله جدید در مسائل مربوط به مسئله آذربایجان در ایران است. گروهی از عناصر رادیکال درون این گروه‌ها اعتقاد ندارند که مسئله قومی در ایران می‌تواند از یک طریق تکاملی حل و فصل شود. آنها معتقدند که برای دستیابی به اهداف ملی خود باید از هر حربه ممکن - از جمله طرق نظامی در صورت لزوم - استفاده کنند.



موضع دولت ایران

برای ایران که یک کشور چند قومی است هر گونه مسئله قومی - ملی از لحاظ تاثیر بر آینده کشور، حائز اهمیت فوق العاده است. انتخاب شکل فعلی دولت و حمایت از آن با ساختار چند ملیتی ایران ارتباط مستقیمی دارد. با سقوط رژیم شاه بر ایدئولوژی پان ایرانیسم نیز ضربه‌ای اساسی وارد آمد. اسلام در مقام ایدئولوژی تمرکز بخش، به عاملی اساسی تبدیل شد و ملیت‌های مختلف را گرد آورد. مسئله اقلیت‌های ملی غیر فارس با مسئله ملیت‌های تقسیم شده نیز توأم است. رهبری ایران سعی دارد که با وارد ساختن نمایندگان گروه‌های قومی و اقلیت‌های ملی در ساختار حکومتی به این مسائل رسیدگی کند ولی در عرصه زبان، فرهنگ یا خودگردانی امتیازاتی نمی‌دهند.

ظهور ناگهانی یک دولت مستقل آذربایجانی در شمال مسائل فراوانی را برای رهبری ایران موجب شده است. بیش از هر چیز صرف وجود جمهوری آذربایجان تاثیر و نفوذ چشم‌گیری بر نهضت ملی آذربایجان ایران بر جای گذاشته است.

نتیجه کلی آن است که آینده خود دولتمداری ایران نیز می‌تواند با مسائلی توأم باشد. بخشی از رهبری ایران، به ویژه سیاستمداران عالی‌رتبه ترک آذربایجانی تبار از انضمام «سرزمین‌های باستانی ایران» یعنی جمهوری آذربایجان به ایران حمایت می‌کنند. مع‌هذا اکثریت رهبری ایران چنین فکری را غیر واقعی و نامطلوب تلقی کرده و آن را رد می‌کنند. به عقیده آنها افزایش عنصر ترک در ایران و سیاسی شدن جمعیت آذربایجانی باعث بدید آمدن رفتاری‌های اضافی برای ناسیونالیسم فارس می‌شود. از این رو رژیم فعلی ایران سعی دارد که برای از میان بردن نفوذ جمهوری آذربایجان بر جمعیت آذربایجانی ایران، جمهوری مزبور را در حوزه نفوذ سیاسی خود قرار دهد. و در این تلاش، ایران ملاحظاتی سیاسی ذیل را دنبال می‌کند:

- ۱- جلوگیری از تشکیل یک جمهوری آذربایجان واقعاً مستقل و مرفه و تحدید تاثیر آن در آذربایجان جنوبی برای تامین تمامیت ارضی و ثبات داخلی ایران.
- ۲- جلوگیری از افزایش نفوذ ایالات متحده و ترکیه در آذربایجان و آسیای میانه.
- ۳- ممانعت از همگرایی و ادغام جهان ترک.
- ۴- کسب پایگاه‌های قدرت جهت اعمال نفوذ بر مسلمان‌های قفقاز، آسیای میانه و منطقه ولگای

روس.

۵- دسترسی آزاد به منابع طبیعی و بازار آذربایجان.

۶- ایجاد یک نظام اسلامی و ایران خواه در آذربایجان مطابق با آموزه رسمی «صدور انقلاب اسلامی».

اخیراً در ایران فعالیت‌های ایدئولوژیک در زمینه مسئله آذربایجان در ایران افزایش یافته است. تبلیغات فعالانه در [تأکید] بر «فقدان» وحدت قومی هم در آذربایجان شمالی و هم در آذربایجان جنوبی، افزایش مبارزه عقیدتی بر ضد ترک‌گرایی و جهان‌ترک از طریق تبلیغات رسمی، بی‌اطلاع نگه‌داشتن مردم از وجود آذربایجان مستقل، همگی از ویژگی‌های سیاست رسمی تهران می‌باشند. علاوه بر این، اقدامات سرکوبگرانه نظام پلیسی بر ضد فعالین آذربایجانی در ایران نیز رو به افزایش داشته است.

نتیجه‌گیری

حل و فصل مسائل قومی در ایران، از جمله مسئله آذربایجان با دموکراتیزه شدن ایران ارتباط نزدیکی دارد. در آینده نزدیک و در بحران سیاسی بعدی در ایران، این مسائل قومی مطرح خواهند بود. این نکته را نیز باید در نظر داشت که این موضوع در آخرین انتخابات ریاست جمهوری نیز نقش داشت. میزان و شدت مسئله آذربایجان، یعنی خودمختاری فرهنگی، خودمختاری ملی - قلمرویی یا خواست استقلال کامل به نفوذ و پیوستگی نیروهای قومی، میزان حمایت از آرمان‌های ملی و بالاخره عوامل خارجی بستگی خواهد داشت.

گفتگو ۷۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی